

اعلامیه مطبوعاتی

ای ارتش‌های مسلمانان، به ندای پروردگارتان لبیک بگویید!

(ترجمه)

آیا نمی‌بینید، جنایات رژیم یهود، صبح و شام، در غزه و کرانه باختری، در لبنان و سوریه، همچون طوفانی خونین بر پیکر امت اسلامی فرود می‌آید؟! اینک تمام جهان با حیرت به آنچه در سرزمین‌های ما می‌گذرد چشم دوخته است. دیگر هیچ رسانه‌ای نیست که از این فاجعه خاموش باشد؛ هیچ شبکه‌ای نیست که تصاویر دلخراش کودکان سوخته، زنان داغ‌دیده و پدران پیکرپار مبردوش را پخش نکند؛ مسجدها و بیمارستان‌ها و خانه‌ها، گورهای دسته‌جمعی شده‌اند، خیابان‌ها و جاده‌ها با خون پاکان رنگین شده‌اند، و چادرها با پناهجویان بی‌دفاع در آتش سوخته‌اند...

ای نظامیان! ای دارندگان لباس افتخار و نشانه‌های قدرت!

هر صبح که لباس نظامی بر تن می‌کنید و در آینه به خود می‌نگرید، آیا اندکی شرم نمی‌کنید؟! چگونه سینه بالا می‌گیرید و نشان‌های‌تان را به رخ می‌کشید، در حالی که زنان غزه سینه‌ی خود را برای نوزاد بی‌جان‌شان چاک می‌دهند؟

چگونه در صف‌های صبحگاه، سلاح‌های درخشان‌تان را بالا می‌برید و فریاد می‌زنید «ما نگهبانان میهنیم»، در حالی که خانه‌های فلسطینیان زیر آوار شده و کسی برای نگهداری‌شان نیست؟

فرمان می‌برید از کسانی که دست در دست دشمنان امت دارند و در جنایت بر برادران‌تان شریک‌اند... آیا این ذلت را احساس نمی‌کنید؟ فرزندان خود را در آغوش دارید، اما پدران غزه در پی تکه‌های گوشت پاره‌ی فرزندان‌شان کیسه‌ها را می‌گیرند... آیا در آن لحظه، نشان‌هایی که بر سینه‌تان دوخته‌اید باری از ننگ بر دوش‌تان نیست؟ با آسایش غذا می‌خورید و لبخند می‌زنید، در حالی که مردان غزه با گلولی خشک، بعدنبال قطره‌ای آب برای کودکان خود سرگردان‌اند... آیا این غذا در گلولی‌تان گیر نمی‌کند؟

و تو، ای سربازی که روزی مرگ به سراغت خواهد آمد، بی‌آنکه در راه الله قدمی برداشته باشی، بی‌آنکه دست مظلومی را گرفته باشی... آیا با چنین مردنی آرام می‌گیری؟ یا با شرم ابدی خواهی رفت؟

و تو که امروز همسنگر مردی هستی که در بستر مرده است، بی‌آنکه شمشیری برای حق کشیده باشی، آیا از مرگ او عبرت نمی‌گیری؟ آیا نمی‌شنوی صدای فریاد وجدان را که می‌گوید: "برخیز! وقت اندک است و فریاد مظلومان تو را می‌خواند!"

ای شگفتا از شما!

چگونه است که می‌بینید این همه رنج و گریه و ناله را و گویی هیچ نمی‌بینید! گویی این کودکان، این زنان، این پیرمردان، از امت شما نیستند! گویی یاری آنان بر گردن شما نیست! چگونه چنین آرامید؟ چگونه شب را در بستر گرم‌تان صبح می‌کنید، در حالی که دخترکان فلسطینی از شدت ترس در میان آتش‌ها جان می‌دهند و هیچ‌کس از شما پاسخ نمی‌دهد؟

(اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّن قَبْلِ اَنْ يَّاتِي يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَكُمْ مِّن مَّلْجَاۗءٍ يُّوْمِنِذٍ وَمَا لَكُمْ مِّن نَّكِيْرٍ) [الشورى: 47]

ترجمه: دعوت پروردگارتان را استجابت کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که دیگر راه بازگشتی نیست، آن روز نه پناهی خواهید یافت و نه راه گریزی.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

شماره صدور: 1446 هـ / 108

16 شوال سال 1446ه.ق.

14 اپریل سال 2025م.

مترجم: محمد مزمل